

شماره تلفن ارتباطی باخونه‌ها
۰۲۱۳۳۰۲۳۳۹۱۶

با مردم

یک‌سال در انتظار وام ودیعه مسکن

دی‌ماه‌سال ۱۴۰۰ برای دریافت وام‌ودیعه‌مسکن ثبت‌نام کردیم و همه مدارک را هم آماده کردیم‌ولی تا این لحظه که دی‌ماه ۱۴۰۱است با وجود بارها پیگیری خبری از پرداخت این وام نیست، درحالی‌که به‌زودی دوباره باید قرارداد خانه را تمدید کنیم و توان اضافه کردن وجهی به پول رهن را نداریم. مسئول بانک به ما گفت به جز وام فرزندآوری و ازدواج برای باقی وام‌ها دستوری نداریم. اگر چنین است چرا در اخبار مردم را به سمت دریافت وام هدایت می‌کنند؟

امانی از زنجان

جمع‌آوری مشاغل مزاحم از خیابان دехورقانی انجام نشد
در یکی، ۲سال اخیر بااستقرار مشاغل مزاحم از جمله تعمیرگاه موتور و خودرو و… در خیابان دехورقانی در نزدیکی میدان رسالت واقع در منطقه ۴شهرداری، آرامش اهالی بر هم ریخت. اهالی از طریق رسانه‌ها و مسئولان پیگیری موضوع شدند تا برای ساماندهی این مشاغل خارج از محدوده شهری تدبیری شود. در آخرین مورد از این اقدامات یکی از ساکنان خیابان به دیدار حضوری باشهردار رفته و از ایشان قول مساعد گرفت در تماس تلفنی یکی از اهالی هم گفتند موضوع به معاون خدمات شهری ارجاع نشد و در ناحیه هم گفتند در حال مستندسازی پرونده مذکور هستند. اکنون مدت‌ها از قول مساعدی که داده‌اند می‌گذرد و هیچ اقدامی صورت نگرفته است.

باقری از تهران

کلاتری شهرک پیام ساخته شد ولی افتتاح نشد

شهرک پیام که ۱۰سال از تاسیس آن می‌گذرد و جمعیتی بالای ۲۰هزار نفر دارد همچنان فاقد کلاتری مستقر در شهرک است درحالی‌که سال گذشته ساختمان این مرکز با صرف هزینه‌ای از سوی شهرداری بازسازی شده.اما کلاتری افتتاح نشده و هر روز شاهد زدنی‌ها و خفت‌گیری‌های روزافزون و نامنی برای تمامی اهالی شهرک هستیم.

اهالی شهرک پیام کرام

پیامک

حقوق و مزایای رزیدنت‌ها واقعا ناکافی است

یک رزیدنت ماهانه بین ۶تا ۸میلیون دریافتی دارد در حالی‌که مدرک دکترا گرفته، یک شب در میان باید شیفت بماند، بیمه و مزایا و عیدی ندارد و مدام با بیماران سرو کار دارد. آیا توقع دارند رزیدنت‌ها همچنان این وضع را تحمل کنند. بر اثر همین وضع است که عده‌ای از همکاران من مهاجرت کرده یا در مشاغل دیگر مشغول شده‌اند درحالی‌که برای تحصیل آنها یا خودشان یا دولت سال‌ها هزینه کرده‌اند. باید به این وضع رسیدگی فوری شود.

رزیدنت قلب حسین از تهران

حقوق نیروهای رسمی و شرکت آبفای رشت پرداخت نشد
از ۴ماه قبل حقوق نیروهای شرکتی و از ۳ماه قبل هم حقوق نیروهای رسمی آب وفاضلاب رشت پرداخت نشده است. این درحالی است که با توجه به تورم حاکم بر جامعه عدم پرداخت حقوق به پرسنل این اداره مشکلات فراوانی را برای آنان رقم زده است.

علیشیری از رشت

جلوی مازوت‌سوزی پتروشیمی شان‌زند را بگیرند

شهر کوچک شان‌زند به واسطه مازوت‌سوزی پتروشیمی شان‌زند آلوده شده و در برخی اوقات غیرقابل تحمل است، به‌مانند که آلودگی این مجتمع به آلودگی هوای اراک هم دامن می‌زند. سؤال این است که چه زمانی قرار است به مازوت‌سازی پنهان و آشکار در این پتروشیمی پایان دهند. آیا سلامت موبمان و ساکنان شان‌زند کم‌اهمیت است؟

ثالثی از شان‌زند اراک

پیام

تلگرام با مردم @hamshahri_bamardom

ماسک‌زدن در هوای آلوده نیازمند روشنگری دارد

به مردم می‌گویند به خاطر آلودگی هوا ماسک بزنند ولی اولا مثل سابق در همه جا ماسک پیدا نمی‌شود. در ثانی گفته می‌شود نوع آلودگی هوای تهران به‌گونه‌ای است که ذرات معلق هوا به‌دلیل قرار گرفتن در هوای مرطوب جلوی دهان هنگام ماسک‌زدن، فرصت بیشتری برای انتقال به ریه‌ها دارند و برای ذرات کمتر از ۵، ۵میکرون ماسک توصیه نمی‌شود. کارشناسان با کمک رسانه‌ها در این خصوص به مردم اطلاعات بدهند.

دولتشاهی از تهران

بیکاری پرستانان طرحی ناعادلانه است

اگر به پرستانان نیازی نداشتیم و استخدایم هم در کار نبود شاید چندان جای گلایه نبود اما درحالی‌که همه بیماران‌ها و کلینیک‌ها با کمبود پرستار مواجهند چرا نباید پرستانان طرحی را که از اتفاق طرحشان راد بدترین شرایط پاندمی کرونا گذراند و تجربیات بسیار ارزنده‌ای آموخته‌اند، استخدام کنند. بیکاری پرستانان که بر طرح را گذرانده با بهانه کمبود اعتبار و مشکلات دیگر عین بی‌عدالتی است.

شهبازی از همدان

داروی هسته‌ای تصویربرداری پتاسکن نیست

برای مادرم پتاسکن تجویز کردند تا تصویربرداری پزشکی هسته‌ای به‌صورت سه‌بعدی عملکرد بافت‌های بدن را بررسی کنند. از بیمارستان وقت گرفتیم و از ۱۲ساعت قبل مادرم را به حالت ناشتا نگه داشتیم درحالی‌که بسیار ضعف داشت. دقیقا یک‌ساعت قبل از انجام تصویربرداری وقت را کنسل کردند.مادرم را به سرعت به درمناگه بردیم و با تزریق سرم مقداری از ضعفش را اجبران کرده و دوباره وقت گرفتیم. برای بار دوم وقت را تغییر دادند و وقتی برای بار سوم قرار شد نوبت بگیریم متوجه شدیم داروی مورد نیاز پت اسکن نیست.

پناهی از تهران

فوق تخصص گوارش در گفت‌و‌گو با همشهری از انجام عملی نادر برای نجات پسری جوان می‌گوید

تصویربرداری از شکم پسر جوان که با شکم درد شدید خودش را به بیمارستان رسانده بود نشان داد تیم جراحی در عملی سخت و نفس‌گیر توانستند دسته کلید را از معده بیمار خارج کنند. اما پسر جوان چطور دسته کلید را بلعیده بود و تیم پزشکی چطور توانستند کلیدها را بدون انجام عمل باز خارج کنند؟

به گزارش همشهری، این حادثه چند روز قبل در نیشابور اتفاق افتاد. پسری ۲۴ساله که شب قبل بنا به دلایلی نامعلوم یک دسته کلید را بلعیده بود وقتی با شکم‌درد شدید مواجه شد تصمیم گرفت به بیمارستان مراجعه کند.او که از درد به خودش می‌پیچید به بیمارستان ۲۲بهمن نیشابور رفت و در خواست کمک کرد. تیم درمانی فوق تخصصی گوارش بعد از انجام تصویربرداری یک دسته کلید فلزی که شامل ۷کلید می‌شد را در معده پسر جوان پیدا کردند و منشا اصلی درد دل او مشخص شد. در این شرایط بود که کادر پزشکی تلاش خود برای خارج کردن دسته کلید از معده بیمار از آغاز کرد و بعد از ساعتی این عمل با خارج کردن دسته کلید به پایان رسید و یک روز بعد هم بیمار از بیمارستان مرخص شد.
دکتر خدیجه یکتاوری‌ودی،فوق تخصص گوارش و کبد،همان پزشکی است که موفق شد دسته کلید را از معده پسر جوان خارج کند.او در گفت‌وگویی با همشهری، جزئیات جالبی از این عمل نادر را بازگو کرد.

بیمار شما در چه ششرا ایطی به بیمارستان منتقل شد؟
او جوانی ۲۴ساله است که دل درد داشت و می‌گفت یک دسته کلید قورت داده است. نخستین کاری که انجام دادم این بود که با تصویربرداری بیمین ادعایی که می‌کند درست است یا نه و اینکه اگر

حوادث

نجات جوانی که دسته کلید قورت داده بود



دسته کلید را بلعیده، هم‌اکنون در کجای بدنش قرار دارد. من معده، مری و روده او را کنترل کردم و بعد از دقیقی متوجه شدم که یک دسته کلید بزرگ در معده اوست.

پسر جوان چرا کلید را بلعیده بود؟

راستش را بخواهید در آن لحظات من فقط به خارج کردن دسته کلید از معده او فکر می‌کردم و درباره چگونگی بلعیدن دسته کلید پرس‌وجو نکردم. اما بیمار و همراهانش حرف‌هایی می‌زدند که من توجه نکردم و سعی کردم بیشتر وظیفه حرفه‌ای‌ام را انجام دهم، نتشیدم که این فرد برای اینکه سارق به دسته کلید مغازه‌اش دسترسی پیدا نکند آنها را قورت داده بود.

بعد از پیدا کردن کلید اقدام بعدی شما و همکاران تان چه بود؟

چون این کار حساس بود و به دقت زیادی احتیاج داشت ممکن بود هنگام عمل بدن بیمار تکان بخورد و دسته کلید در بدنش جابه‌جا شود. به همین دلیل از متخصص بیهوشی کمک گرفتیم و بیمار بیهوش

رفتند اما از او خبری نبود. مأموران در دامه به شرکتی که این دو برادر

مرد دندانپزشک قربانی خشم برادرش شد

اختلاف ۴ میلیاردی ۲پزشک جنایت آفرید

تحقیقات در پرونده ناپدید شدن مرد دندانپزشک نشان می‌دهد که برادر او که یک پزشک عمومی است به‌خاطر اختلاف ۴میلیارد تومانی وی را به طرز هولناکی به قتل

رسانده است.

به گزارش همشهری، تلاش پلیس برای کشف سرنوشت دندانپزشک

گمشده از روز هفدهم آذرآسمال شروع شد.
آن روز زنی راهی کلاتری تجریش شد و گفت که شوهرش به طرز مشکوکی ناپدید شده و کار او بی‌خبر است. وی توضیح داد: شوهرم دندانپزشک است و صبح امروز(هفدهم آذر) طبق روال همیشه، صبح زود خانه را برای رفتن به محل کارش ترک کرد و دیگر از او خبری نشد. معمولاً هنگام ظهر یا من تماس می‌گرفت و احوال‌ها می‌پرسید اما وقتی دیدم از او خبری نیست به موبایلش زنگ زدم که پاسخ نداد. گمان کردم سرگرم کار است اما چند ساعت گذشت و خبری از او نشد. بار دوم که شماره‌اش را گرفتم، موبایلش خاموش بود و این مسئله نگرانیم را بیشتر کرد.وی ادامه داد: پس از پیگیری‌های فراوان متوجه شدم که او به محل کارش نرفته و همکارانش نیز از او بی‌خبر هستند. با گذشت زمان، وقتی هیچ خبری از او نشد، نگران‌امی بیشتر شد و تصمیم گرفتیم از پلیس برای پیدا کردن همسرم کمک بگیریم.

برادر، مظنون شماره یک

با اظهارات این زن، پرونده‌ای درباره ناپدید شدن دندانپزشک ۴۵ساله تشکیل و گروهی از مأموران اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران تحقیقات برای یافتن ردی از او آغاز کردند.
آنطور که بررسی‌ها نشان می‌داد مرد گمشده علاوه بر داشتن مطب، شرکتی در حوالی خیابان فرشته داشت و با برادرش شریک بود. این دو برادر در زمینه خرید و فروش تجهیزات پزشکی فعالیت داشتند و بررسی‌ها نشان می‌داد که مرد گمشده آخرین بار در شرکت دیده شده است. از سوی دیگر بررسی مکالمات تلفنی وی نیز نشان می‌داد که او با برادرش قرار داشته است.

برادر بزرگ تر مرد گمشده، پزشک عمومی بود و مأموران به سراغ او

برایم عجیب بود.

اگر دسته‌کلید از بدن بیمار خارج نمی‌شد چه خطراتی برای بیمار وجود داشت؟

او شب قبل دسته کلید را بلعیده بود و زمانی که به بیمارستان رسید حدود ۱۲ساعت می‌گذشت. بعد از ورودیم که دسته کلید در انتهای معده مانده بود. چرا که اگر وارد روده می‌شد احتمال آسیب دیدن بیمار آنقدرسوی انجام شد تا مطمئن شویم هنگام خارج کردن کلیدها باعث پارگی در داخل بدن بیمار نشده باشد که خدا را شکر فقط چند خراش جزئی در بدنش ایجاد شده بود و مشکلی نداشت.

آیا پیش از این هم تجربه مشابهی داشتید و وسایلی مثل دسته کلید از بدن بیماران خارج کرده بودید؟

من ۱۵سال است که پزشک هستم و ۲سال است که طر‌ح‌ح‌م را در نیشابور می‌گذرانم. قبلا هم مواردی از خارج کردن اشیای خارجی از بدن بیماران وجود داشت. اما نه اشیایی به این بزرگی. قبلا چند مرتبه سوزن و سسنجاق از داخل بدن بیماران خارج کرده بودم اما این بار دسته‌کلید، آن هم به این بزرگی

جسد، رنگش پریده و دچار لکنت شده بود.

مرد نطفاتچی تحت بازجویی قرار گرفت و در تحقیقات اسرار ناپدید شدن مرد دندانپزشک را فاش کرد و گفت که برادر بزرگتر مرد گمشده به‌خاطر اختلافات مالی، جان برادر کوچکترش را گرفته و فرار کرده است. این مرد توضیح داد: من مدت‌هاست که در این شرکت کار

می‌کنم. آنطور که متوجه شده بودم عامل جنایت که پزشک عمومی و برادر بزرگ‌تر است، چند سال قبل تصمیم گرفت در انتخابانی شرکت کند. او به برادرش که دندانپزشک بود، ۴میلیارد تومان پول داده بود تا کارهای تبلیغاتی وی را انجام بدهد اما برادر کوچک‌تر هیچ کاری نکرد. وقتی برادر بزرگ‌تر در انتخابات ناکام ماند، پولش را طلب کرد اما برادرش آن را پس نمی‌داد و بر سر این موضوع اختلاف شدیدی میان آنها شکل گرفته بود.

او ادامه داد: این اختلافات آنقدر عمیق شده بود که روز حادثه، یعنی هفدهم آذرماه، برادر بزرگ‌تر به برادر کوچک‌تر زنگ زد و از او خواست به شرکت بیاید. آن روز دو برادر بر سر اختلاف مالی‌شان دچار مشاجره و درگیری شدند. ناگهان عامل جنایت با کچکش و قندشکن به جان برادر کوچکترش افتاد و او را به قتل رساند. من وحشرته نظاره‌گر این صحنه هولناک بودم. پس از آن قاتل از من خواست به او کمک کنم تا جسد را از شرکت خارج کند. من که چاره‌ای جز همکاری نداشتیم به کمک او رفتم و جسد را به پشت بام بردیم. در آنجا جسد را منته کرده و بخشی از آن را در پشت بام سوزانیدیم. بخش دیگر را هم داخل گونی و پلاستیک انداخته و در بیابان‌های جز همکاری نداشتیم به گفت: آقای دکتر آن روز برای دستمزد همکاری، ساعت گران‌قیمتش را به من داد و من از آن روز دیگر او را ندیدم. براساس این گزارش، مرد نطفاتچی به دستور بازپرس شعبه سوم دادسرای جنایی تهران، در اختیار کارآگاهان اداره دهم قرار گرفته و تحقیقات برای دستگیری قاتل فراری ادامه دارد.

حل معما

چند روز از ناپدید شدن مرد دندانپزشک می‌گذشت و هنوز سرنوشت وی در هاله‌ای از ابهام بود. مأموران در بازرسی داخل شرکت، هیچ سرخی از مرد گمشده به‌دست نیاورده بودند و نکته عجیب ماجرا این بود که دوربین‌های مدارسی خارج این مرد از شرکت را ثبت کرده بودند. شکی وجود نداشت که برای مرد گمشده در زمانی که داخل شرکت بوده، اتفاقی رخ داده است. در این شرایط مأموران بار دیگر راهی شرکت شدند و تا اینکه این بار سرخی به‌دست او درند. در پشت بام بقایای سوخته‌ای از یک جسد پیدا شد که به‌نظر می‌رسید متعلق به مرد ناپدید شده‌است. این بقایا به دستور قضای مسلمان غلامی،بازپرس جنایی تهران، به پزشکی قانونی انتقال یافت و هم‌زمان دستور بازداشت نطفاتچی شرکت صادر شد. چرا که وی پس از پیدا شدن بقایای سوخته

تصادف، دست سارق جنایتکار را رو کرد

ماشین آثار خون وجود داشت و این در حالی بود که جوان راننده هر چند مجروح شده، اما دچار خون‌ریزی شدید نشده بود. مأموران حدس می‌زدند که کاشه‌ای زیر نیم‌کاسه جوان راننده است؛ به همین دلیل به استعلام شماره پلاک خودروی واژگون شده پرداختند و معلوم شد که این خودرو متعلق به یک مرد ایرانی است. با شناسایی صاحب خودرو مشخص شد که او با ماشینش مسافر کشی می‌کرد و چند ساعتی است که از او خبری نیست.

حالا دیگر شکی باقی نمانده بود که راننده دستگیر شده راز مهمی در سینه دارد. به همین دلیل وی به اداره آگاهی منتقل شد و در جریان بازجویی‌ها اسرار جنایتی هولناک را فاش کرد.

این تبعه خارجی گفت: چند ساعت قبل خودروی واژگون شده را در تهران به طرف یکی از روستاهای گرمسار کرایه کردم. راننده‌اش مردی حدودا ۳۵ساله بود که به او گفتم قصد رفتن به یکی از روستاهای اطراف گرمسار را دارم و او هم قبول کرد که مرا به مقصد برساند.

وی ادامه داد: وقتی به اطراف یکی از روستاهای گرمسار رسیدم، چاقویم را بیرون کشیدم و به تهدید راننده پرداختم تا ماشینش را اسرقت کنم. اما او مقاومت کرد و باهم در گیر شدیم که با ضربات چاقو او را به قتل برساندم. پس از آن جسدش را از ماشین بیرون کشیدم و در همین هنگام بخشی از سیر ماشین هم خون آلود

همیشه‌وری

کوتاه از حادثه

دستگیری عاملان حمله تروریستی

ایذه در درگیری مسلحانه

یک ماه پس از حادثه تروریستی در ایذه که به شهادت ۷نفر منجر شد آنفر از عاملان این حادثه در درگیری با مأموران کشته و ۲نفر دیگر دستگیر شدند.

به گزارش همشهری، حادثه تروریستی ایذه ۲۵آبان ماه‌امسال اتفاق افتاد و در جریان تیراندازی افراد مسلح ۷نفر از جمله کودکی به نام کیان پیرفلک به شهادت رسیدند. از آن روز شد چندروز از این حادثه گذشته بود که علی دهقانی، رئیس کل دادگستری خوزستان از شناسایی و دستگیری ۱۱معضنون در این پرونده خبر داد. او گفت که اقدامات لازم برای شناسایی کلیه عوامل مرتب با این حادثه در حال انجام است. با وجود دستگیری ششماری از افراد مرتب با این حادثه اما بررسی‌ها در این خصوص ادامه داشت تا اینکه روز گذشته مأموران به اطلاعاتی درباره ۴نفر از عاملان این حادثه دست پیدا کرده و تلاش کردند آنها را دستگیر کنند اما متهمان با مأموران درگیر شدند و در این درگیری ۲نفر از آنها کشته و ۲نفر دیگر به دام افتادند.

صادق جعفری چگنی، دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان خوزستان در این باره گفت: در راستای رسیدگی به پرونده حادثه تروریستی شهرستان ایذه که منجر به شهادت ۷نفر شد، در پی رصد اطلاعاتی عوامل این حادثه صبح سه‌شنبه در اقدام عملیاتی مشترک ک اداره اطلاعات استان، سپاه و فراجا، ۲نفر از عوامل اصلی دستگیر و ۲نفر کشته شدند. در این عملیات قبضه سلاح جنگی و ۸مشاب فشنگ از متهمان کشف شد. وی ادامه داد: تحقیقات این پرونده در شعبه‌ویژه بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان ایذه در حال انجام است و به‌صورت فوق العاده و خارج از نوبت در حال رسیدگی است. دستگاه قضا با هر گونه نامنی و اخلال در نظم عمومی بر خورد قاطع می‌کند. همچنین تعدادی از عوامل دیگر این حادثه طی یک ماه گذشته دستگیر شده بودند که تحقیقات آنها در حال انجام است.

مرگ قاچاقچی هنگام فرار

فرار مرد مواد فروش از دست مأموران عاقبت خوشی نداشت و با شلیک پلیس کشته شد.

به گزارش همشهری، س‌ساعت یک بامداد دیروز مأموران گشت پلیس در خیابان ملاصدرا به مردی که رفتارهای عجیبی داشت و مدام اطرفش را می‌باید مشکوک شدند و به‌صورت نامحسوس او را زیر نظر گرفتند و متوجه شدند که او در حال فروش مواد مخدر است. در این شرایط بود که مأموران برای دستگیری مرد مواد فروش وارد عمل شدند. او اما به محض دیدن پلیس، تصمیم به فرار گرفت و عملیات تعقیب و گریز آغاز شد. مرد مواد فروش با تمام قدرت در حال دویدن بود و توجهی به اخطار پلیس نمی‌کرد. مأموران چندین بار به او تذکر دادند و وقتی دیدند مرد مواد فروش حاضر به تسلیم و توقف نیست، اسلحه را به سمتش نشانه گرفته و تیراندازی کردند. مرد موادفروش بر اثر شلیک گلوله پلیس نقش زمین شد و فرارش پایان یافت. در ادامه مشخص شد که مرد مواد فروش جانس راز دست داده است که گزارش این حادثه هم‌گیا به قاضی مسلمان غلامی بازپرس جنایی تهران اطلاع داده شد و وی دستور انتقال جسد به پزشکی قانونی و انجام تحقیقات در این باره را صادر کرد.

انفجار مهیب در جایگاه سی‌ان‌جی



انفجاری مهیب در یکی از جایگاه‌های سوخت سی‌ان‌جی در یاسوج هر چند شدت زیادی داشت و خسارات سنگینی به‌بار آورد اما تلفاتی به‌همراه نداشت.

به‌گزارش همشهری، پیش از ظهر دیروز (سه‌شنبه) جایگاه سی‌ان‌جی جمعه بازار یاسوج، واقع در استان کهگیلویه و بویراحمد منفجر و دچار آتش‌سوزی شد. جهانبخش وحدت نژاد، رئیس اورژانس ۱۱۵ استان کهگیلویه و بویراحمد در این باره گفت: حادثه آتش‌سوزی جایگاه سی‌ان‌جی منطقه بنسجان یاسوج هیچ گونه خسارت جانی نداشت و در این حادثه یک نفر از کارکنان این مرکز به‌صورت جزئی دچار سوختگی شده بود که توسط تیم‌های اورژانس فه مرکز درمانی انتقال یافت.

محمد سرسهمی، مدیر‌عامل آتش‌نشانی یاسوج نیز درباره جزئیات این حادثه گفت: ساعت ۱۵:۱۱ سه‌شنبه این حادثه به نشانی اطلاع داده شد که در کمتر از پنج دقیقه با توجه به نزدیکی ایستگاه بلوار عدل به محل حادثه نیروهای آتش‌نشانی در صحنه حاضر شدند. وسعت آتش‌سوزی زیاد و گسترده بود. طوری که از نفاع آتش به بیش از ۱۰متر می‌رسید که با توجه به حجم آتش‌سوزی، ۳دستگاه خودرو آتش‌نشانی، یک خودرو آتش‌نشانی شهر مادوان و یک دستگاه خودرو شرکت نفت به محل آتش‌سوزی اعزام شدند.

او در ادامه گفت: آتش در ۳سمت جایگاه سی‌ان‌جی شعله‌ور بود و تا زمانی که با گرفتن ۳شیلنگ با بالای سر آتش‌نشان، آنها توانستند شیر اصلی گاز جایگاه را ببندند، آتش مهار نشده بود. در این حادثه آتش به یزو گام ۳ساختمان همجوار جایگاه سی‌ان‌جی سرایت کرد که با تلاش آتش‌نشانان مهار و خاموش شد. او همچنین گفت: در این جایگاه حدود ۲۰۰کیسول بزرگ گاز نگهداری می‌شد که با تلاش آتش‌نشانان توانستیم از سرایت آتش به این تعداد کیسول انفجار و وقوع حادثه بزرگ‌تر جلوگیری کنیم.